

سیرت

رضی الله عنہن

صحابیات

مختصر زندگانی زنانی که پیامبر ﷺ را دیدند، و به آن ایمان آوردند.



شاکرالذهبی

(الله عزوجل، نب در وداد او را بذشاید)

Ketabton.com



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چاپ و نشر این کتاب برای هر مسلمان آزاد است



سیرت مختصر صحابیات

صفحه

فهرست مطالب

۱۰/	مقدمه
۱۲/	همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم
۱۹/	آشنائی با چند تن از زنان صالحه، قبل از پیامبر اسلام
۱۹/	ساره علیها السلام
۱۹/	هاجر علیها السلام
۲۰/	آسیه علیها السلام
۳۵-۲۴/	مریم علیها السلام

سیرت مختصر صحابیات رضی الله عنہن

«»

۳۷/	اسماء رضی الله عنہا
۳۷/	ام حبیبہ رضی الله عنہا
۳۸/	ام حرام رضی الله عنہا
۳۹/	ام خالد بن خالد رضی الله عنہا
۳۹/	ام کلثوم بنت عقبہ رضی الله عنہا
۴۰/	ام سلمہ رضی الله عنہا
۴۰/	ام عطییہ رضی الله عنہا
۴۱/	ام هانیء رضی الله عنہا
۴۱/	ام سلیط رضی الله عنہا



سیرت مختصر صحابیات

- ٤٢/.....امیه بنت محسن رضی الله عنها
- ٤٢/.....ام سلیم رضی الله عنها
- ٤٣/.....ام علاء رضی الله عنها
- ٤٣/.....اماماً رضی الله عنها
- ٤٤/.....ام حبیبہ بنت جحش رضی الله عنها
- ٤٤/.....اسماء بنت یزید انصاری رضی الله عنها
- ٤٦/.....اسماء بنت عمیس رضی الله عنها
- ٤٦/.....انیسه بنت خبیب رضی الله عنها
- ٤٦/.....امیمه بنت رقیقه رضی الله عنها
- ٤٦/.....ام بجید رضی الله عنها
- ٤٧/.....ام درداء رضی الله عنها
- ٤٨/.....ام عمارہ رضی الله عنها
- ٤٩/.....ام فضل رضی الله عنها
- ٤٩/.....ام فروہ رضی الله عنها
- ٥٠/.....ام قیس بنت محسن رضی الله عنها
- ٥٠/.....ام المنذر رضی الله عنها
- ٥٠/.....ام معبد بنت خالد رضی الله عنها
- ٥١/.....ام معبد بنت کعب رضی الله عنها
- ٥١/.....ام مالک بهزیه رضی الله عنها

سیرت مختصر صحابیات



«ب»

- ٥٢/ بُريریہ رضی اللہ عنہا.....
٥٢/ بُسرہ رضی اللہ عنہا.....
٥٢/ بھیسہ رضی اللہ عنہا.....

«ج»

- ٥٣/ جویریہ ام المؤمنین رضی اللہ عنہا.....

«ح»

- ٥٤/ حفصہ رضی اللہ عنہا.....
٥٤/ حمنہ بنت جحش رضی اللہ عنہا.....

«خ»

- ٥٦/ خدیجہ ام المؤمنین رضی اللہ عنہا.....
٥٧/ خولہ بنت قیس رضی اللہ عنہا.....
٥٧/ خولہ بنت حکیم رضی اللہ عنہا.....
٥٨/ خولہ بنت ثامر رضی اللہ عنہا.....
٥٨/ خولہ بنت قیس رضی اللہ عنہا.....
٥٨/ خنساء رضی اللہ عنہا.....
٥٩/ خنساء بنت خزام رضی اللہ عنہا.....

سيرت مختصر صحابيات



«ن»

- ٦٠/ ربيع بنت معوذ رضى الله عنها.....
٦٠/ ربيع بنت نصر رضى الله عنها.....

«ن»

- ٦٢/ زينب بنت جحش رضى الله عنه.....
٦٣/ زينب رضى الله عنها.....
٦٣/ زينب بنت عبدالله رضى الله عنها.....

«س»

- ٦٤/ سمييه رضى الله عنها.....
٦٥/ سوده أم المؤمنين رضى الله عنها.....
٦٥/ سبعيه رضى الله عنها.....
٦٦/ سهيمه بنت عمر رضى الله عنها.....
٦٦/ سلمي رضى الله عنها.....

«ش»

- ٦٧/ شفاء رضى الله عنها.....
٦٩/ صفية بنت حبي رضى الله عنها.....

«ص»

سيرت مختصر صحابيات

صفيه بنت عبدالمطلب رضى الله عنها..... ٦٩/

صفيه بنت ابوعبد رضى الله عنها..... ٧٠/

صفيه بنت شيبة رضى الله عنها..... ٧١/

صماء بنت بسر رضى الله عنها..... ٧١/

«ع»

عائشه أم المؤمنين رضى الله عنها..... ٧٢/

عمراة بن رواحه رضى الله عنها..... ٧٣/

«خ»

غميساء رضى الله عنها..... ٧٤/

«ف»

فاطمه رضى الله عنها..... ٧٥/

فاطمه بنت خطاب رضى الله عنها..... ٧٦/

فاطمه بنت أبو حبيش رضى الله عنها..... ٧٦/

فاطمه بنت قيس رضى الله عنها..... ٧٧/

فريعة بنت مالك رضى الله عنها..... ٧٨/

«ق»

قيله بنت مخرمه رضى الله عنها..... ٧٩/



سیرت مختصر صحابیات

«م»

٨٠/ ميمونه رضى الله عنها

«ن»

٨١/ نسيبه رضى الله عنها

«ط»

٨٢/ هند بنت عتبه رضى الله عنها

«ي»

٨٣/ يسيرة رضى الله عنها

سیرت مختصر صحابیات



مقدمه

إن الحمد لله، نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعود بالله من شرور أنفسنا، وسینات أعمالنا، من يهدى الله فلا مضل له، ومن يضل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. برای ما لازم است تا با دانشمندان دین خویش آشنائی حاصل کنیم، بخصوص کسانی که دین به وسیله آنها به مایان رسید.

برخی از عزیزان، برای من پیشنهاد کردند تا مختصرًا اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم را به معرفی بگیرم، بنده به جواب آنها لبیک گفته، و در چندین سلسله اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآلہ وسلم را بسیار مختصر به معرفی گرفتم. در این کتاب صرف به سیرت و زندگانی صحابیات^۱ پرداخته ام، فقط چند تن از زنان صالحه‌ی قبل از پیامبر صلی الله علیه وسلم را نخست ذکر می‌کنم، و پس از آن به زندگانی همسران پیامبر اسلام و صحابیات رضی الله عنهم پرداخته ام.

در بیان زندگانی صحابیات چند فائده هرقب است:

۱. با صحابیاتی که احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم را روایت کرده اند، آشنائی حاصل می‌کنیم،
۲. فراگیری علم و دانش، (ونیز) تبلیغ و دعوت تنها منحصر و مختص برای قشر «مردان» نبوده، و زنان نیز در این فریضه سهم دارند،

(۱) صحابیه و صحابی: کسی که با پیامبر صلی الله علیه وسلم ملاقات کرده باشد، یا پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدار کرده و به وی ایمان آورده و بر ایمان نیز از دنیا رفته باشد.

سیرت مختصر صحابیات

- 
۳. آنانی که دنبال نام های نیکو برای فرزندان شان هستند، با آشنائی با صحابیات می توانند نام فرزند خویش را انتخاب کنند^۱.
 ۴. با اینکه امروز جوانان و نوجوانان الگوهای حقیقی خود را فراموش کرده اند، با مطالعه زندگانی صحابیات؛ الگوهای حقیقی خویش را درمیابند.
 ۵. با کسانی که به رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان آورده اند، و به ملاقات او شرف یاب گردیدند، آشنائی حاصل می کنیم، زیرا شناخت صحابه و صحابیات و محبت با آنان از ایمان است.
از الله عزوجل تمنا دارم این تلاش ناچیز من را در میزان حسناتم بیفراید.

"وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبہ أجمعین"

شاکرالذهبی

پشاور - پاکستان

۱) الله عزوجل شهادت پدر من را بپذیرد، او می گفت: کسانی که اسم نیکو و مؤثر برای فرزندان شان می خواهند، پس قسمت اخیر مشکاة المصایب (اسماء الرجال) را مطالعه کنند، اگر فرزند شان پسر باشد، پس از صحابه،تابعین وتابعین انتخاب نمایند، و اما اگر فرزند شان دختر باشد، از صحابیات وتابعیات انتخاب نمایند. این سخن شان مرا وا داشت تا این کتاب را بنویسم.

همسران پیامبر

صلی اللہ علیہ وسلم

به یاری الله عزوجل، کتاب خود را از همسران پیامبر
صلی اللہ علیہ وسلم شروع می کنیم:
در مورد همسران پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم حافظ ابن حجر
رحمه الله^۱ می گوید:

هنگامی که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به مدینه منوره آمدند،
تنها یک همسر داشتند که سوده رضی الله عنها باشد، بعد از آن با
عائشه رضی الله عنها عروسی کردند، و بعد از آن در سال سوم و
چهارم هجری با ام سلمه، و حفصه، و زینب بنت خزیمه، و بعد از
آن در سال پنجم با زینب بنت حجش، و در سال ششم با جویریه،

۱) او، ابوالفضل شهاب الدین احمد بن علی بن محمد عسقلانی [۲۵۸ - ۴۳۷هـ - ق] محدث و فقیه و مؤرخ مصری شافعی اصلاً از عسقلان فلسطین بوده ولی در قاهره تولد و در آنجا وفات یافته است. ابن حجر در سال ۷۲۶ منصب قاضی القضاطی (منظور: رئیس قاضیان آن عصر) یافت، با این صفت پیوسته به تدریس و وعظ اشتغال داشت. بیش از یک صد و پنجاه تألیف داشته و از آن جمله است: الإصابة فی تمیز الصحابة و فتح الباری فی شرح صحیح البخاری.

سیرت مختصر صحابیات



و در سال هفتم با صفیه و ام حبیبه و میمونه رضی الله عنہن جمیعاً ازدواج نمودند.

علامه ابن قیم رحمه الله^۱ در مورد ازواج مطهرات به تفصیل بیشتری صحبت کرده و می‌گوید:
ازدواج مطهرات عبارت بودند از:

۱- خدیجه رضی الله عنہا که پیامبر صلی الله علیه وسلم با او پیش از نبوت ازدواج نمودند، سن وی چهل سال^۲ بود، و تا وقتی که زنده بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم همسر دیگری نگرفتند، تمام اولاد پیامبر صلی الله علیه وسلم با استثنای ابراهیم

۱) او محمدبن ابی بکر ایوب بن سعد زرعی دمشقی ابوعبدالله شمس الدین می باشد، پدر ایشان قیم مدرسه جوزیه بود لذا ایشان به قیم الجوزیه لقب یافته بود، یکی از علماء بزرگ بود در نزد امام ابن تیمیة زانوی تلمذ زد به گونه ای که از اقوال ایشان خارج نمی شد. در سال ۹۹۱ هجری متولد شد و به سال ۷۵۱ به عالم باقی شتافت.

ابن قیم یکی از پایه های اصلاح اسلامی و یکی از دانشمندان بزرگ که آثار زیادی از خود به یادگار گذاشته است از جمله: «اعلام الموقعين»، «زادالمعاد»، «هدایة الحیاری» وغیره. «الواffi بالوفیات» (۲/۲۷۰ - ۲۷۲)، «جلاء العینین»، ص ۳۰، «الاعلام» (۲۸۰ - ۲۸۱).

۲) البته برخی از تاریخ نویسان مانند ابن عساکر معتقد است که خدیجه رضی الله عنہا هنگام ازدواج با رسول الله صلی الله علیه وسلم بزرگ سال نبوده، وهم سن وسال آنجناب صلی الله علیه وسلم بودند، وشهید یاذن الله، شیخ رحمتی نیز این نظر را تأیید کرده است. - الله تعالیٰ بهتر می داند.-

سیرت مختصر صحابیات



از وی بود، و این یگانه زنی است که الله متعال به واسطه جبرئیل
علیه السلام برایش سلام فرستاد.

ب- بعد از خدیجه رضی الله عنها با سوده بنت زمعه
رضی الله عنها ازدواج نمودند، و همین سوده بود که نوبت خود
را برای عائشه رضی الله عنها داد.

ج- بعد از آن عائشه صدیقه بنت صدیق رضی الله
عنها ازدواج نمودند، عائشه رضی الله عنها دارای فضائل بسیاری
است، از آن جمله اینکه: براءتش از آسمان نازل گردید، و کسی که
وی را قذف نماید به اجماع علماء کافر و مرتد، و خارج از دین
اسلام است^۱، و یگانه کسی است که در بسترش بر پیامبر صلی الله

۱) ابن کثیر درباره وقایع سال ۲۴۱ هجری نقل می کند: «در این سال حاکم عباسی، متولی
علی الله دستور به تازیانه زدن یکی از افراد سرشناس بغداد داد. وی به شدت زده شد. می
گویند که هزار تازیانه به وی زده شد تا اینکه مرد. علت امر این بود که هفده مرد نزد قاضی
شرقی، ابوحسان زیادی شهادت دادند که آن مرد، ابوبکر و عمر و عائشه و خصمه - رضی الله
عنهم - را سرزنش و بدگوئی نمود. این خبر را به حاکم عباسی، متولی علی الله رساندند، نامه
او به محمد بن عبدالله بن طاهر بن حسین، نایب او در بغداد رسید که به وی دستور می دهد
در حضور مردم، حد سب و ناسزاگوئی را بر آن مرد اجرا کند. سپس با تازیانه زده شود تا
اینکه بمیرد. بعداً در دجله انداخته شود. و بر او نماز جنازه خوانده نشود تا بدین وسیله
ملحدان و دشمنان پند گیرند. او هم چنین کاری را در حق آن مرد کرد». سپس ابن کثیر می
گوید: «چنین عملی بنا به اجماع علماء موجب کفر است اگر عائشه را قذف نماید، اما راجع به
قذف دیگر زنان پیامبر دو قول وجود دارد که بنا به قول صحیح، این عمل هم کفر است، زیرا

سیرت مختصر صحابیات



آنان همسران رسول الله - صلی اللہ علیہ وسلم - هستند و او از آنان راضی و خوشنود بوده است».

ابن ابی الدنيا - که شاهد ماجرا بوده - نقل می کند: «در کار پل ایستاده بودم، و قاضی ابوحسان و جمعیت زیادی هم در آنجا حضور داشت. متوكل با تازیانه های تر و بسته بندی شده در دستمال دیبیقی رو به او کرد و به وی دستور داد که هزار تازیانه به صاحب «خان عاصم» بزند، زیرا افراد معتمد و اهل ثقه شهادت داده اند که او به ابوبکر و عمر ناسزا گفته و عایشه را قذف نموده است. کسی این را انکار ننمود و آن مرد توبه نکرد. هنوز میوه ها بر روی تازیانه ها بود. در حضور قاضی شروع به زدنش شد و مأموران پلیس هم ایستاده بودند آن مرد گفت: ای قاضی، مرا کشتی. ابوحسان به وی گفت: حق تو را کشت، چون تو به زن پیامبر - صلی اللہ علیہ وسلم - تهمت زنا زدی و خلفای راشدین و هدایت یافته را سرزنش و بدگویی نمودی». (تاریخ دمشق، اثر ابن عساکر، در ضمن زندگی نامه ابوالحسن زیادی)

همچنان، ابن کثیر درباره حوادث جمادی الاول سال ۷۴۴ هجری نقل می کند: «در صبح دوشنبه بیست و یکم جمادی الاول، حسن بن شیخ سکاکینی در بازار در ملاع عام کشته شد. علت قتلش این بود که سب و بدگویی صحابه که بر کفر محض دلالت می کرد از او صادر شد. نزد قاضی شرف الدین مالکی، شهادت های زیادی داده شد که همگی بر کفرش دلالت می کردند و اینکه او رافضی است. از جمله چیزهایی که شاهدان از آن مرد شنیدند و بعداً نزد قاضی بدان شهادت دادند، عبارت بود از: تکفیر ابوبکر و عمر - رضی اللہ عنہما - تهمت زنا به مادران مؤمنان، عائشه و حفصه - رضی اللہ عنہما - این گمان که جبرئیل اشتباه کرده که به محمد و حی آورد چون او مأمور بود تا به علی و حی آورد، و دیگر سخنان باطل و ناروا».

مردی از رافضی ها در حضور حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب به ام المؤمنین عایشه صدیقه دختر ابوبکر صدیق - رضی اللہ عنہا - تهمت زنا زد. حسن بن زید گفت: «ای غلام، گردن این مرد را بزن». علوبیان به حسن بن زید گفتند: این مردی از شیعیان ماست. گفت: «پناه به اللہ! این مرد بر پیامبر - صلی اللہ علیہ وسلم - طعنه زده و از او بدگویی کرده است، اللہ متعال می فرماید:

﴿الْحَسِينُ لِلْحَسِينِ وَالْحَسِينُ لِلْحَسِينَ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبَاتِ وَالظَّالِمُونَ لِلظَّالِمَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ إِمَّا يَقُولُونَ هُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [آل نور: ۲۶].

سیرت مختصر صحابیات



«زنان ناپاک برای مردان ناپاک و مردان ناپاک برای زنان ناپاک اند. و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک اند. آنان از آنچه درباره شان می گویند، میرا هستند و برایشان بخشش (پروردگار) و روزی فراوان هست».

پس اگر عائشه، ناپاک باشد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هم ناپاک است. این مرد کافر است و گردنش را بزنید». پس گردنش را زدند. (اللکائی آن را در کتاب «شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة» روایت کرده است)

قاضی ابویعلی می گوید: «هر کس به عائشه تهمت زنا بزند در حالی که الله وی را از آن تهمت میرا نموده، بدون هیچ اختلافی میان علماء کفر ورزیده است». (الصارم المسلول، فصل «فاما من سب أزواج النبي - صلی الله علیه وسلم -»)

امام مالک می گوید: «از ماجرای افک معلوم می شود که هر کس عائشه را به زنا متهم کند، کافر است. ائمه ما و دیگران به این امر تصریح کرده اند، زیرا نسبت دادن زنا به عایشه مستلزم تکذیب نصوص قرآنی است و تکذیب کننده نصوص قرآنی هم بنا به اجماع مسلمانان کافر است. و بدین صورت تکفیر بسیاری از رافضی ها معلوم می شود، زیرا آنان صحابه را به امور ناروا و ناپسند متهم می کنند». (الصواعق المحرقة في الرد على أهل البدع والزندقة، باب سوم، فصل دوم)

امام ابوحنیفه رحمه الله می گوید: او عائشه - رضی الله عنها - پس از خدیجه کبری - برترین زنان دنیا و مادر مؤمنان است، و از زنا و آنچه که رافضی ها می گویند، پاک و بري است. پس هر کس وی را به زنا متهم کند، زنازاده است». (الطبقات السنیة في تراجم الحنفیة، «خلاصه ای از مناقب و فضائل امام علی و محسن و حسن اعتقادی که داشت»)

نظام الدین هندی می گوید: «رافضی هر گاه به ابوبکر و عمر ناسزا گوید و - العیاذ بالله - آنان را لعنت و نفرین نماید، کافر است ... و اگر به عائشه - رضی الله عنها - تهمت زنا بزند، به الله کفر ورزیده است ... هر کس امامت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - را انکار نماید، کافر است و بر اساس قول بعضی از علمای حنفی چنین فردی مبتدع است نه کافر. و صحیح این است که چنین فردی کافر است. همچنین هر کس خلافت عمر - رضی الله عنه - را انکار نماید بنا به قول اصح، کافر است. اگر رافضی ها عثمان و علی و طلحه و زبیر و عایشه - رضی الله عنهم - را کافر بدانند، تکفیرشان واجب است. همچنین تکفیر رافضی ها در اعتقادشان به

سیرت مختصر صحابیات

علیه وسلم وحی نازل گردید، عالم‌ترین، و فقیه‌ترین زن‌های امت است، پیامبر صلی اللہ علیه وسلم جز با وی با زن بکر دیگری ازدواج نکردند.

۵- بعد از آن با حفصه بنت عمر بن خطاب رضی اللہ عنها ازدواج نمودند، و در روایتی آمده است که پیامبر صلی اللہ علیه وسلم وی را طلاق دادند، و دوباره به وی رجوع از ازدواجش وفات نمود.

۶- بعد از وی با زینب بنت خزیمه بن حارت قیسیه ازدواج نمودند، و بعد از دو ماه از ازدواجش وفات نمود.
۷- بعد از آن با ام سلمه بنت ابی أمیه قرشیه مخزومیه ازدواج نمودند، و ام سلمه رضی اللہ عنها آخرین همسرشان بود که وفات نمود.

۸- بعد از آن با زینب بنت جحش رضی اللہ عنها ازدواج نمودند، و درباره همین زینب بود که این قول اللہ متعال

رجعت و بازگشت مردگان به دنیا، تناصح ارواح، انتقال روح اللہ به ائمه، و اعتقادشان درباره ظهور امام مخفی، و تعطیل کردن امر و نهی تا اینکه امام مخفی ظهور کند و اینکه می‌گویند جریل اشتباه کرده که وحی را به جای علی بن ابی طالب به محمد - صلی اللہ علیه وسلم - آورد، این گروه از ملت و دین اسلام خارج اند و احکامشان، احکام مرتدان است. همچنین طایفه ظهیریه همین حکم را دارند. (الفتاوی‌الهنديه، كتاب السير، باب نهم، مطلب «موجبات الكفر أنواع»).

سیرت مختصر صحابیات



نازل گردید: ﴿فَلَمَّا قُضِيَ زِيدٌ مِّنْهَا وَطَرَا زَوْجُنَّكَهَا﴾ [الأحزاب: ۳۷]، و به همین سبب بر دیگر ازوج مطهرات افتخار نموده و می‌گفت که: شما را اقوام شما به ازدواج دادند، و مرا الله از بالای هفت آسمان به ازدواج داد.

ح- بعد از آن با جويريه بنت حارت ازدواج نمودند.

ط- بعد از آن با **أم حبیبه** که رمله بنت أبي سفيان باشد، ازدواج نمودند، با وی وقتی که در حبشه بود ازدواج نمودند، و عوض پیامبر صلی الله عليه وسلم نجاشی برایش چهار صد دینار مهر داد.

ی- بعد از آن با صفیه بنت حبی بن أخطب که از اولاد هارون بن عمران عليه السلام است ازدواج نمودند، وی به اسارت درآمده بود، پیامبر صلی الله عليه وسلم او را آزاد ساختند، و آزادی اش را برایش مهر قرار دادند.

ک- بعد از آن با **میمونه بنت حارت هلالیه** ازدواج نمودند، و میمونه رضی الله عنها آخرین ازدواج مطهرات است، که بعد از وی با زن دیگری ازدواج نکردند.^۱

۱) فیض الباری، (۴۵۶/۱).

آشناei با چند تن

از زنان صالحه،

قبل از پیامبر اسلام

ساره علیها السلام

ساره بنت هاران بن تارخ همسر و دختر عمومی ابراهیم علیه السلام بود.

ساره مادر اسحاق علیه السلام بود، و هنگام تولد اسحاق علیه السلام، مادرش (ساره) نود سال سن داشت.

وقتی که ساره از مژده ای تولد فرزند، آگاهی پیدا کرد، شادمان شد و خندید و تعجب کرد و گفت چگونه ما در این سن و سال دارای چنین فرزندی می‌شویم.

طبق قول اهل کتاب، ساره پیش از وفات ابراهیم علیه السلام در منطقه حبرون در سن صد و بیست هفت سالگی درگذشت.^{۱)}

هاجر علیها السلام

آجر کنیزی بود از هالی مصر، و بعضی آن را (هاجر) می‌گویند، و همین هاجر، مادر اسماعیل علیه السلام بودند. وقتی که اسماعیل علیه السلام متولد شد، جبرئیل علیه السلام آمد و برای ابراهیم

۱) برای تفصیل مراجعه شود به البداية والنهایة، از ابن کثیر رحمه الله.

سیرت مختصر صحابیات



علیه السلام وحی آورد که هاجر خاتون و پسرش را اسماعیل به ولایت حجاز ببرد و ابراهیم؛ به فرمان الله آنها را به محل بیت الله الحرام در حجاز برد.

هنگامی که ابراهیم علیه السلام هاجر خاتون و اسماعیل را در محل کعبه الله در مکه مکرمه گذاشت و خودش به طرف فلسطین رهسپار شد. مشکه آبی که برایشان آورده بود تمام شد. هاجر خاتون بسیار ناراحت شد هفت بار از کوه صفا به طرف کوه مروه برای پیدا کردن آب رفت. باز هفتم هنگامی که برگشت دید که کنار اسماعیل؛ در زمین آب پیدا شده است. هاجر خاتون بسیار شادمان شد و از الله عزوجل خواست که آب در جای خودش را کد باشد و جاری نشود و گفت: زمم یعنی آب با اراده الله عزوجل در جای خود بایست و تکان نخور.

و دستور رفت و برگشت حجاج بین کوه صفا و مروه تا هفت بار از این جریان نشأت کرده است.

هاجر علیها السلام در حجر مدفون گشت.^۱

آسیه علیها السلام

او، همسر فرعون «آسیه» دختر «مزاحم» نام داشت.

.۱) برای تفصیل مراجعه شود به البداية والنهایة، از ابن کثیر رحمه الله.

سیرت مختصر صحابیات



آسیه موسی علیه السلام را بزرگ کرد و در حق او نیکی نمود و هنگامی که به پیامبری مبعوث شد به او ایمان آورد.

آسیه همسر فرعون، الگو و نمونه ای برای زنان بود، حتی قرآن آن را با ضرب المثل و عبرت بیان داشته: الله متعال فرمود:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَحَّةِ وَنَجَّبَنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلَهُ وَنَجَّبَنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱) وَمَرِيمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرَجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ﴾ [التحریم: ۱۲].

ترجمه: «و برای کسانی که ایمان آورده اند الله همسر فرعون را مثل آورده؛ آنگاه که گفت: پروردگار، پیش خودت در بهشت خانه ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش و از گروه ظالمین نجات ده».

آری! آسیه، نماد و الگوی آشکاری برای هر آن کسی است که می خواهد در زندگی از آیین الهی پیروی کند و به راه او رهنمود شود.

به راستی که این زن، چقدر عاقل و دانا بوده است؛ او، همسایگی و جوار الهی را طلب نمود و پیش از آنکه خانه را بخواهد، جوار و همسایگی الهی را بر آن مقدم نمود؛ او از فرعون

سیرت مختصر صحابیات

ستمگر و کافر اطاعت نکرد و زندگی در کاخ فرعون را با تمام فریبندگی هایش نپذیرفت و خانه ای زیباتر و بهتر در جوار پروردگار جهانیان را خواستار شد، آری! او می خواست در باغها و رویدبار های بهشت در جایگاهی زیبا نزد الله عزوجل زندگی کند.

به راستی که او زن بزرگی بود؛ زیرا صداقت و همت والايش، او را به جای رسانید که سخن حق و ايمان را آشکارا در مقابل همسر سرکش و ستمگرش بيان کرد، و بدین خاطر در راه الله شکنجه شد و در نهايیت در جوار رحمت الهی قرار گرفت و در بهشت برین سکنی گزید. الله متعال، او را برای زنان و مردان مؤمن، در تمام ادوار تاريخ، الگو و سرمشق قرار داده و اين بانوی بزرگوار را در كتاب خويش ستوده و اسم او را در كتاب خود ثبت نموده و عمل او را مورد ستايش قرار داده و شوهرش را که از راه و آيین الهی منحرف گشته بود، نکوهيده است.

از انس - رضى الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله عليه وسلم فرمود:

«حسبك من نساء العالمين مريم ابنة عمران و خديجة بنت خويلد وفاطمة بنت محمد وآسية امرأة فرعون». ^۱

۱) ترمذی، در صحیح خود به شماره ۳۸۷۸؛ و احمد در مستند خود، ۱۳۵/۳؛ و حاکم، ۱۵۷/۳ آن را روایت کرده اند و إسناد آن صحیح است.

سیرت مختصر صحابیات



يعنى: «از میان زنان جهانیان، مریم دختر عمران، و خدیجه دختر خویلد، و فاطمه دختر محمد، و آسیه زن فرعون، تو را بس است».

از ابن عباس روایت شده است که می گوید، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«سیدات نساء أهل الجنة بعد مریم بنت عمران فاطمة و خدیجه و آسیه امرأة فرعون».^۱

يعنى: «سروران زنان بهشتی پس از مریم دختر عمران، فاطمه و خدیجه و آسیه زن فرعون می باشند».

در صحیحین از أبي موسى أشعري روایت است که گفت: پیامبر الله - صلی الله علیه وآلہ وسلم - فرمود:

«كَمَلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكُمِلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، وَمَرِيمٌ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفِيلٍ الشَّرِيدٍ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ».^۲

(۱) طبراني، در «معجم الكبير»، به شماره ۱۲۱۷۹ آن را روایت کرده و استناد آن حسن است.

(۲) أخرجه ابن أبي شيبة (۶/ ۳۸۹)، رقم ۳۲۲۷۶ ، وأحمد (۴/ ۳۹۴)، رقم ۱۹۵۴۱ ، والبخاري

(۳) ۱۲۵۲/۳ ، رقم ۳۲۳۰ ، ومسلم (۴/ ۱۸۸۶)، رقم ۲۴۳۱ ، والترمذی (۵/ ۷۰۶)، رقم ۳۸۸۷ .

وأخرجه أيضًا: الطیالسی (ص ۶۸ ، رقم ۵۰۴) ، والنائبی فی الکبری (۵/ ۹۳) ، رقم ۸۳۵۳ .

سیرت مختصر صحابیات



یعنی: «از مردان افراد زیادی به کمال رسیدند، و از زنان جز مریم دختر عمران و آسیه زن فرعون کسی به کمال نرسیده است، و فضیلت و برتری عایشه بر زنان مانند فضیلت ثرید بر سایر غذاهast».

مریم علیها السلام

مریم دختر عمران صدیقه‌ی باکره و دختر عفیفه‌ای است که در حجره‌ی فضیلت و پاکی تربیت یافت و پاک زیست. الله متعال در جاهای متعددی از قرآن به تعریف و تمجید از او پرداخته است. ﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عُمَرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكَانَتْ مِنَ الْأَقْانِيْنَ﴾ [التحریم: ۱۲].^۱

پدرش عمران مردی بزرگوار و دانشمندی فرزآنهای از دانشمندان بنی اسرائیل بود. همسرش (مادر مریم) (به روایت ابن اسحاق) عقیم بود نذر کرد اگر حامله شود فرزند خود را به خدمت بیت المقدس اختصاص می‌دهد. الله دعای او را استجابت نمود و مریم حامله گردید چون وضع حمل کرد،

^۱ همچنین الله مریم دختر عمران را مثل زن است که دامن به گناه نیالوده و خود را پاک نگاه داشت و ما از روح متعلق به خود در آن دمیدیم و او سخنان پروردگارش و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از زمره‌ی مطیعان و فرمانبرداران بود.

سیرت مختصر صحابیات



دید آنچه از او جدا شده دختر است در حالی که انتظار پسر می‌کشید تا به خدمت بیت المقدس اختصاص داده شود. از باب اعتذار و تأسف دست دعا به سوی الله بلند کرد و گفت:

﴿قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعُتُّهَا أُنْشَى وَاللهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأَنْشَى وَإِنِّي سَمِّيْتُهَا مَرِيمًا وَإِنِّي أُعِيْذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ [آل عمران: ۳۶].^{۱)} اما الله آن رانیکو پسندید و به صورت نیکو پرورش داد و او مادرش را از شر شیطان مصون نگاه داشت.

مریم تحت کفالت زکریا

در حالی که مریم طفلى صغیر بود پدرش عمران از دنیا رفت، مریم به کسی احتیاج داشت که مراقبش باشد و او را پرورش کند، مادرش او را به مسجد برد و تسليم عابدان و پارسایان مقیم آنجا نمود، در مسئله کفالت او با هم اختلاف کردند. سرانجام زکریا که پیامبر آن عصر و شوهر خواهرش (و به گفته‌ای شوهر خاله‌اش) بود مسئولیت کفالت او را بعهده

(۱) گفت: الها! من او را دختر زائیدم ولی الله بدانچه او بدنیآورده آگاهتر است (الله بهتر می‌دانست که) پسر مانند دختر نیست (و گفت): من او را مریم نام گذارده او و فرزندانش را از اهربیمن مطرود در پناه تو می‌دارم.

سیرت مختصر صحابیات



گرفت و به منظور قطع نزاع بر سر کفالت او به قرعه کشی روی آوردند که قرعه به نام او درآمد.

مریم تحت کفالت زکریا قرار گرفت مکان شریفی در مسجد را به او اختصاص داد، که هیچ کسی جز او وارد آن نمی‌شد. مریم در آنجا به عبادت الله عزوجل و خدمت بیت المقدس مشغول بود. شب و روز از عبادت دریغ نمی‌کرد، تا آنجا که در میان بنی اسرائیل بعنوان ضرب المثل صلاح و تقوا و صفات کریمه مشهور گردید. زکریا در اثنای نگهداری و خدمت از مریم با امری عجیب مواجه شد. طعام و میوه‌هایی نزد او می‌یافت که در بازار وجود نداشت و در آن اوقات وجودش غیرمعهود بود مثلاً میوه تابستان را در زمستان و میوه‌ی زمستان را در تابستان نزد او می‌یافت از سر دهشت و تعجب از او سؤال می‌کرد این از کجا برای تو می‌آید؟

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبْوُلٍ حَسَنٍ وَأَبْتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّاً كُلَّمًا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرِيمُ أَنَّى

سیرت مختصر صحابیات



لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
﴿۳۷﴾ [آل عمران: ۳۷]

نشأت و پرورش مریم باکره

مریم در محیطی آکنده از عفت و طهارت و به دور از گناه و محرمات پرورش یافت. در جوار مسجد می‌زیست و عنایت الله عزوجل همواره شامل حال او بود ملائکه نزد او می‌آمدند و او را به مقامی رفیع مژده می‌دادند مبنی بر اینکه برگزیده‌ی زنان، و از هر گونه گناه و ناپاکی دور است و او را به فرزندی بزرگوار مژده می‌دادند که دارای شأنی عظیم خواهد بود و در گهواره و در عمر کهولت با مردم سخن می‌گوید و از صالحین و برگزیدگان خواهد بود و او را بر عبادت و قنوت بیشتر تشویق می‌کردند.

مریم این چنین بر طهارت و عبادت و به دور از آلودگی و گناه و رذایل پرورش یافت **﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرِيمَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾** (۴۲) یا مَرِيمُ

۱) ذکریا او را سرپرست کرد هرگاه زکریا وارد عبادتگاه او می‌شد غذایی را در پیش او می‌یافت به مریم گفت: این از کجا برای تو می‌آید؟ گفت: این از سوی الله ای است الله به هر کس که بخواهد بی حساب و بی شمار روزی می‌رساند.

سیرت مختصر صحابیات

﴿اَقْتُنِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدْ يَ وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ۝﴾ [آل عمران: ۴۲-۴۳].

مژده به عیسیٰ علیه السلام

چون مریم به سن بلوغ زنانه رسید و پا در عمر ۱۳ سالگی نهاد، روزی از محراب خارج شد و برای استراحت به سوی جهت شرقی بیت المقدس رفت. در حالی که راه می‌رفت و از اهل و قوم خود دور می‌شد، جوانی سفید روی زیبای خوش اندام در مقابلش ظاهر شد. مریم به ترس و اضطراب افتاد و در کارش مشکوک شد و از ترس اینکه مبادا قصد سوء علیه او داشته باشد از او دوری گزید و فرار کرد و گفت: ﴿إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا﴾ [مریم: ۱۸].^۱ مریم گمان کرد انسانی عادی است که در این مکان بر او پیدا شده... و اصلاً به ذهنش خطور نمی‌کرد که ملائکه کریم باشد. الله او را پیشش فرستاده تا مژده فرزندی بزرگوار و پیامبری عظیم الشأن را به او بدهد. این جوان جبرئیل بود که خود را در لباس انسانی

۱) هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را برگزیده و پاکیزه‌ات داشته است و تو را بر همه زنان جهان برتری داده است* ای مریم همیشه خاشعانه به اطاعت و عبادت پروردگارت مشغول شو و با نمازگزاران به سجده و رکوع پرداز.

۲) گفت: من از تو به الله مهربان پناه می‌برم اگر پرهیزگار هستی.

سیرت مختصر صحابیات



به او نشان داد، جوان یاد شده به او اطمینان داد و حقیقت امر را با او در میان نهاد سپس نفخه‌ای در جیب پیراهن او دمید، که به رحمس رسید و بوسیله این نفخه به مسیح حامله گردید ﴿وَإِذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذْ أَنْتَبَذْتَ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا﴾ (۱۶)
 فَاتَّخَذْتَ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحًا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷) قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (۱۸)
 قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لَا هُبَّ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا﴾ [مریم: ۱۶-۱۹]

۱۹

تفسرین گفته‌اند: آنکه در جیب پیراهن او نفخ کرد و از آن حامله گردید جبرئیل روح الامین، روح القدس بود، ﴿نَزَّلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ۙ۱۹۳ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ۙ۱۹۴﴾ [الشعراء: ۱۹۳-۱۹۴]. زیرا آنکه وحی را فرود آورده قطعاً جیرائیل بوده است. ابوحیان در تفسیرش می‌گوید: ملائکه الله در صورت انسان بر او ظاهر شد تا به او انس بگیرد و از او نترسد، چون اگر در

(۱) در کتاب از مریم سخن بگو آن هنگام که در ناحیه شرقی از خانواده‌اش کنار گرفت* و پرده‌ای میان خود و ایشان افکند ما جبرئیل خویش را به سوی او فرستادیم و جبرئیل در شکل انسان خوش قیافه‌ای بر مریم ظاهر شد* (مریم لرزان) گفت: من از تو به الله مهربان پناه می‌برم اگر پرهیزگاری، (جبرئیل) گفت: پروردگارت من را به سوی تو فرستاده است تا به تو پرس پاکیزه‌ای بیخشم.

(۲) جبرئیل آن را فرو آورده است* بر قلب تو تا از زمرة‌ی بیم‌دهندگان باشی.

سیرت مختصر صحابیات



صورت و شکل ملائکه بر او نازل می شد قطعاً از او می ترسید و نمی توانست سخنان او را بشنود... و این مطلب که مریم از دیدن آن صورت زیبا، به الله پناه برد بهترین گواه بر عفت و پاکی او می باشد^۱.

چون در مقابل مریم ظاهر شد و فهمید که آنچه در مقابل خود دارد ملائکه است نه انسان، با او انس و الفت گرفت اما چون مژده فرزند را به او داد متحیر شد چون او هنوز ازدواج نکرده و کسی هم به او نزدیک نگشته بود چگونه امکان داشت صاحب فرزند شود **﴿قَالَتْ أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسِسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيَا ۲۰﴾** [مریم: ۲۰].^۲ اما در جواب شنید که این به قدرت و اراده‌ی الله است و هیچ چیز بر او سخت نیست و هرگاه چیزی را اراده کند می گوید: بشو فوراً می شود **﴿قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيْنُ وَلَنْجَعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مَنَّا وَكَانَ أَمَّا مَقْضِيَا ۲۱﴾** [مریم: ۲۱].^۳

(۱) بحر المحيط جلد ۶ ص ۱۸۰.

(۲) گفت: چگونه پسری خواهم داشت در حالی که انسانی با من نزدیکی نکرده است و زناکار هم نبوده‌ام.

(۳) (جریل) گفت: همانگونه است پروردگار تو گفته است این کار برای من آسان است بخارط آن است که (می خواهم) او را معجزه‌ای برای مردمان کنیم و رحمتی از سوی خود سازیم دیگر کار انجام یافته است.



مدت زمان حمل:

عمر مریم به هنگام حمل به عیسیٰ علیه السلام ۱۳ سال بود و علماء در مدت حمل اختلاف کرده‌اند، برخی آن را یک ساعت و گروهی ۹ ساعت پنداشته‌اند، عده‌ای هم آن را ۸ ماه ذکر کرده‌اند. قول اخیر از ابن عباس رضی اللہ عنہ منقول است. اما قول صحیح اینکه او همانند سایر زنان بصورت طبیعی به او حامله شده و وضع حمل کرده است.

ابن کثیر می‌گوید: ظاهر این است که همانند سایر زنان ۹ ماه به او حامله بود بعضی به آیه ﴿فَحَمَلْتُهُ فَأَنْبَذَتُ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا﴾ [مریم: ۲۳]. استدلال کرده گفته‌اند: عطف بوسیله فاء دلیل بر تعقیب است اما قول صحیح اینکه تعقیب و دنباله روی در هر چیزی بر حسب آن می‌باشد. آیا ندیده‌ای که خداوند می‌فرماید: ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عَظَاماً فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۴]. معلوم است که

(۱) (مشیت اللہ تحقق یافت و مریم) بدبو باردار شد و با جنین در مکان دوردستی گوشہ گرفت * درد زایمان او را به کنار تنهی خرمایی کشاند گفت: کاش پیش از این مرده بودم و چیز ناقابل فراموش شده‌ای بودم.

(۲) سپس نطفه را بصورت لخته خونی و این لخته خون را به شکل قطعه گوشت جویده و این تکه گوشت جویده را بسان استخوان ضعیفی در می‌آوریم و بعد بر استخوان گوشت می‌پوشانیم و از آن پس او را آفرینش تازه

سیرت مختصر صحابیات



فاصله هر مرحله‌ای تا مرحله‌ای دیگر به مفاد حدیث، صحیح چهل روز است.^۱

مفسرین می‌گویند: چون جبرئیل در جیب پیراهن او دمید، آن نفخه در رحم او اثر کرد و فوراً بوسیله‌ی آن حامله گردید. ابن کثیر روایت منسوب به ابی پسر کعب را مردود دانسته که جبرئیل در دهان او دمید نه در فرجش و گفته: این برخلاف چیزی است که از سیاق داستان مریم در قرآن کریم فهم می‌شود؛ زیر قرآن می‌گوید: کسی که به سوی مریم فرستاده شده، همان فرشته‌ی بزرگ جبرئیل علیه السلام بوده و او صرفاً در جیب لباسش دمید. آنگاه آن نفخه وارد فرجش شده است. چنانکه الله می‌فرماید: ﴿وَمَرِيمَ ابْنَتَ عُمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكَتَبْهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ ۱۲﴾ [التحريم: ۱۲].^۲ ضمیر در کلمه‌ی فيه به فرج برمی‌گردد نه به دهان.

ای بخشیده و پدیده‌ی دیگری خواهیم کرد والامقام و مبارک یزدان است که بهترین اندازه گیرندگان و سازندگان است.

(۱) البداية والنهاية ج. ۲. ص ۶۴

(۲) ما از روح متصل به خود در آن دمیدیم و او سخنان پروردگارش و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از زمره‌ی مطیعان و فرمانبرداران بود.



اتهام بر مریم

روایت شده چون آثار حمل بر مریم هویدا شد اولین کسی که بر آن اطلاع پیدا کرد یکی از نزدیکان او به نام یوسف نجار (که از بندگان صالح به شمار می‌رفت) بود، بنا به روایت ابن کثیر یوسف پسر خاله‌ی مریم بود از این امر شدیداً به تعجب افتاد، چون در عفت و دیانت مریم شکی نداشت با این وصف او را (بدون شوهر) حامله یافت. روزی بصورت کنایه و تعریض به او گفت: ای مریم آیا زراعت بدون بذر امکان وجود دارد؟! مریم گفت: بلی چه کسی اولین زراعت آفرید؟ یوسف گفت: آیا فرزند بدون پدر امکان دارد؟ گفت: بلی الله آدم را بدون ذکر و اثنی آفرید. یوسف گفت: داستان خود را برای من تعریف کن. گفت: الله مرا به کلمه از سوی خود به نام مسیح عیسی پسر مریم مژده داده ﴿بِكَلْمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ﴾ [آل عمران: ۴۵].^۱ آنگاه، یوسف فهمید که مریم پاک است و این حمل به اراده و مشیت حکیمانه الله می‌باشد.

(۱) به کلمه خود که نامش مسح عیسی پسر مریم است (مژده دهید).

سیرت مختصر صحابیات



سدی با اسناد خود از اصحاب روایت می‌کند: مریم روزی بر خواهرش «همسر زکریا» وارد شد خواهرش گفت: آیا می‌دانی من حامله هستم؟ مریم گفت: و شما نیز می‌دانید که من هم حامله هستم، همسر-زکریا مریم را در آغوش کرد و گفت: من می‌بینم جنینی که در شکم من است برای جنین شما سجده می‌برد.

امام مالک گوید: من عقیده دارم که این مورد، به خاطر برتری و تفضیل عیسی بر یحیی است، به من خبر رسیده که عیسی و یحیی پسر خاله‌ی همدیگر بوده‌اند.^۱

در میان بنی اسرائیل شایع شد که مریم حامله است اندوه و حسرت فراوانی بر خانواده زکریا مستولی گردید و عده‌ای از زندیقیان مریم را متهم به رابطه نامشروع با یوسف نجار کردند، چون او هم در مسجد به عبادت مشغول بود. گروهی دیگر به رابطه نامشروع با زکریا متهمش کردند. ابن جریر گوید: یهود قصد کشتن زکریا را کردند از دست آنان فرار کرد. سپس او را

(۱) البداية والنهاية جلد ۲ ص ۶۵

سیرت مختصر صحابیات



گرفتند، و با اره دو قطعه اش نمودند^۱ پس او به دست یهودیان مجرم به شهادت رسید. درود و سلام الله بر او باد.

سیرت مختصر صحابیات رضی اللہ عنہن

﴿١﴾

اسماء رضی الله عنها

وی اسماء دختر ابوبکر صدیق، و خواهر عائشة صدیقه ام المؤمنین، و همسر زبیر رضی الله عنه است، وی مشهور به ذات النطاقین است، در راه اسلام جان فشانی‌های زیادی کرد، مناقبیش بسیار و فضائلش فراوان است، در سال هفتاد و سه هجری به سن صد سالگی در مکه مکرمه وفات یافت، و تا آخرین لحظات عمر، نه یکی از دندان‌هایش افتاد، و نه هم عقل و فراستش را از دست داد.^۱

ام حبیبه رضی الله عنها

وی ام حبیبه ابی سفیان صخر بن حرب است، نامش رمله و یکی از امهات المؤمنین است، از کسانی است که در اول مسلمان شده بودند، به حبشه هجرت نمود، و در حبشه بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم شخصی را فرستادند و از وی خواستگاری نمودند، و

(۱) أسد الغابه (٣٩٢-٣٩٣).
﴿٣٧﴾

سیرت مختصر صحابیات



او پیشنهاد را پذیرفت و با ایشان ازدواج نمود، وفاتش در سال چهل و چهار هجری است.^۱

ام حرام رضی الله عنها

وی ام حرام بنت ملحان بن خالد انصاری خزرگی است، نامش رمیصاء بود، و در خانه‌اش قیلوله می‌کردند، [قیلوله: خواب پیش از چاشت است]، و گفته بودند که وی شهید می‌شود، و در سال بیست و هفت هجری وقتی که از جنگ قبرص برمی‌گشت از اسپیش افتاد، و به قتل رسید.^۲

وبرخی گفته:

ام حرام در سال (۲۸) هجری که شوهرش (عبدالله بن صامت) همراهش بود، از راه دریا به جنگ قبرص اشتراک نمود، و چون از جنگ برگشت، در وقت سوار شدن بر مرکب خود، از بالای آن افتاد و مرد، و به این طریق خبر پیامبر صلی الله علیه وسلم در موردهش تحقق یافت.

(۱) اسد الغابه (۵/۵۷۳-۵۷۴).

(۲) اسد الغابه (۵/۵۷۴ - ۵۷۵).

سیرت مختصر صحابیات



ام خالد بن خالد رضی اللہ عنہا

وی ام خالد بن خالد بن سعید بن العاص قرشی اموی^۱ است، نام ام خالد امه، و نام مادرش همینه بن خلف خزاعی است، که وی هم مسلمان شده است، اینکه ام خالد چه وقت وفات کرده است، اطلاعی به دست آورده نتوانستم.^۲

خطیب درباره ای او نوشت: ام خالد در حبشه متولد گردیده، و به مدینه آورده شد، و آنجا همراه با زبیر بن العوام ازدواج نمود، و از وی بسیاری از مسلمانان روایت کرده اند.^۳

ام کلثوم بنت عقبه رضی اللہ عنہا

وی ام کلثوم بنت عقبه بن ابی معیط قرشی اموی است، از کسانی است که در اول در مکه مكرمه مسلمان شده بودند، به هردو قبله نماز خواند، و با پیامبر صلی اللہ علیه وسلم بیعت نمود، پای پیاده به مدینه منوره هجرت نمود، برادرانش ولید و عماره به تعقیبیش آمدند تا از هجرتش ممانعت به عمل آورند، ولی الله

(۱) بنی امیه، یا امویان:

خلفای بنی امیه یا امویان (۴۰ - ۶۶۰ هـ / ۷۵۰ - ۱۳۲ م) سلسله ای اسلامی از خاندان بنی امیه که پس از خلفای راشدین در سال ۴۰ هـ. ق زمام حکومت کشورهای اسلامی را به دست گرفتند. پس از به قدرت رسیدن بنی امیه روش انتخابی خلیفه به انتقال موروثی قدرت تبدیل شد، معاویه بن ابی سفیان نخستین و در عن حال بهترین خلیفه در دولت امویان بود، آخرین آنان مروان دوم، به دست ابومسلم خراسانی در غرب ایران به قتل رسید.

(۲) اسد الغابه (۵۷۹/۵).

(۳) اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۳.

سیرت مختصر صحابیات



عزوجل او را از شر آن‌ها حفظ کرد، و او را در راه پیدا کرده نتوانستند، و در مدینه منوره نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده و از ایشان خواستند تا او را برای شان تسليم دهند، ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم ابا ورزیدند، و در مدینه وفات نمود.^۱

ام سلمه رضی الله عنها

وی ام المؤمنین هند بنت أبي أمیه بن مغیره قرشی است، پیش از ازدواج با نبی کریم صلی الله علیه وسلم همسر ابو سلمه عبدالأسد مخزومی بود، به حبشه و مدینه هجرت نمود، علم و دانش بسیاری را از پیامبر صلی الله علیه وسلم آموخت، و در سال پنجاه و نه هجری وفات نمود، و امام بخاری از وی چهار حدیث روایت کرده است.^۲

ام عطیه رضی الله عنها

ایشان نسیبه بنت کعب، بعضی گفته بنت الحارت، ام عطیه انصاریه، البته در بصره مسکن گزین شد. در صحیح بخاری، مسلم، أبو داود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه روایت دارد.

(۱) اسد الغابه (۵/۶۱۴).

(۲) اسد الغابه: ۵/۵۸۹-۵۸۸.

سیرت مختصر صحابیات



ایشان در غزوات، مجاهدین را سیراب، زخمی ها را تداوی،
ومرده ها را شستشو می کردند.
او کسی است حدیثی را که در ارتباط منع جنازه رفتن زنان آمده،
روایت نموده است.

ام هانیء رضی الله عنها

وی ام هانیء بنت أبي طالب قرشی هاشمی دختر کاکای (عموی) پیامبر صلی الله علیه وسلم و خواهر علی بن أبي طالب است، در اسمش اختلاف است، بعضی می گویند که: نامش هند، و بعضی می گویند، که فاطمه، و عده هم می گویند که فاخته است، در فتح مکه مسلمان شد، سال وفاتش را ندیدم، از ایشان(۴۶) حدیث روایت است.^۱

أم سلیط رضی الله عنها

أم سلیط زنی از مردم انصار^۲ بود که در بعضی غزوات برای مردم آب می داد، و این زن در غزوه خیبر نیز با پیامبر صلی الله علیه وسلم اشتراک نموده بود.

(۱) أسد الغابه (۲۴/۵).

(۲) انصار عبارت از دو قبیله اوس و خزرج است، و الله عزوجل و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آنها را به صفت (انصار) توصیف نموده اند، و این دو قبیله از این جهت به نام (انصار) متصف گردیده اند که با کمک های مادی و معنوی خود پیامبر صلی الله علیه وسلم و مسلمانان و اسلام را کمک و نصرت دادند.

سیرت مختصر صحابیات



امیه بنت محسن رضی اللہ عنہا

وی امیه بنت محسن بن حرثان اسدیه است، از کسانی است که در اول در مکه مکرمه ایمان آورده بودند، با پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بیعت نمود، و به مدینه منوره هجرت کرد، امام بخاری از وی تنها دو حدیث روایت کرده است، از خودش روایت است که گفت: یکی از پسرانم مرد، و بسیار جزع و فزع کردم، برای زنی که او را غسل می‌داد گفتم: از آب سرد او را غسل مده که او را می‌کشی، عکاشه این واقعه را برای پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم گفت، به حقم دعا کرده و فرمودند: «الله عمرش دراز کند»، و گویند: هیچ زنی به اندازه او عمر نکرد.^۱

ام سلیم رضی اللہ عنہا

وی سهله بنت ملحان بن خالد انصاری خزرجی، مادر انس بن مالک است، زن هوشیار و بافهمی بود، شوهر اولش که وفات نمود، شخصی به نام ابوطلحه از وی خواستگاری نمود، برایش گفت: تو را می‌خواهم، ولی من مسلمانم و تو کافری، اگر مسلمان شوی، تو را به نکاح می‌گیرم، و مهرم را برایت می‌بخشم، و همان بود که ابوطلحه مسلمان شد، و او را به نکاح گرفت، و همین ام سلیم بود

^۱- (الاصابه: ۴/ ۴۸۵-۴۸۶).

سیرت مختصر صحابیات



که فرزندش انس را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم برد و از ایشان خواست تا به حق او دعا کنند.^۱

ام علاء رضی الله عنها

وی ام علاء، زنی از مردم انصار است، و از زن‌هایی است که با پیامبر صلی الله علیه وسلم بیعت کرده بودند. از ایشان خارجه بن زید بن ثابت روایت کرده اند، ایشان مادر صحابی بزرگوار، «خارجه بن زید» رضی الله عنہ بودند. رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالیکه او بیمار بود، به عیادتشان رفتند.^۲

أمامة رضی الله عنها

أمامة - به همزه، وفتح میم - ، آن دختر زینب بوده است، و زینت دختر رسول الله صلی الله علیه وسلم، و پدر أمامة: أبوال العاص بن ربيع می باشد. زینب در سنه(۸هجری) وفات یافته است. و دختر آن(أمامة) با علی رضی الله عنہ ازدواج نمود، وقتی که علی رضی الله عنہ شهید شد، با مغیره بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب ازدواج نمود.

۱- اسد الغابه (۵/۵۹۱).

۲- اسد الغابه (۵/۶۰۴-۶۰۵).

سیرت مختصر صحابیات



ام حبیبہ بنت جحش رضی اللہ عنہا

أم حبیبۃ بنت جحش، خواهر زینب، همسر عبدالرحمن بن عوف می باشد.

عبدالله پسر امام احمد می گوید: در کتاب پدر خود یافتم از جمله زنانی که در مدینه حدیث روایت می کردند، أم حبیبۃ بنت جحش بود.^۱

اسماء بنت یزید انصاری رضی اللہ عنہا

امام ابن حجر در «الاصابه» (۴۹۸/۷) می نویسد:
در جنگ تاریخی یرموک^۲، زنان مسلمان نمونه های از شجاعت و قهرمانی را از خود بجا ماندند، و در خدمت برای اسلام با مردان رقابت می کردند.

اسماء بنت یزید انصاری که در آن جنگ سرپرست زنان مسلمان بود، به تنها ی خود، هفت تن از سربازان رومی را به هلاکت رسانید^۳، اسماء رضی اللہ عنہا شرف شرکت در جنگ تاریخی خیر

- «العلل» (۵۷۸۴).

^۲- جنگ یرموک: در دوران خلافت ابوبکر صدیق - رضی اللہ عنہ - و بعد از فتح عراق رخداد، فرمانده ارتش اسلام در این جنگ، خالد ابن ولید - رضی اللہ عنہ - بود. نهر یرموک از جبال حوران سرچشمه می گیرد و جریان سریع داشته از بین تل ها و پشته های مختلف ارتفاع می گذارد و به نشیب اردن و به سوی بحر میت می رود و از ملتقاتی یرموک به نهر اردن به فاصله سی یا چهل مایل، واقعه واقع است که در یک میدان وسیع زمین هموار می باشد که از سه اطراف آن کوه های مرتفع آن را احاطه دارد که به حد کافی مرتفع است».

^۳- طبرانی از مهاجر روایت نموده که: اسماء بنت یزید بن سکن، دختر عمومی معاذ بن جبل رضی اللہ عنہ در روز یرموک، نه تن از رومی ها را با ستون خیمه به قتل رسانید. (هیشمی ۹/۲۶۰) می گوید: رجال وی ثقہ اند.

سیرت مختصر صحابیات



را نیز با رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن خود کرده بود. در معرکه یرموک خالد بن ولید رضی الله عنہ زنان مسلمان را که با لشکر مسلمانان برای جهاد رفته بودند، امر نمود تا در پشت سر لشکر بایستند، و برای هریکی از آنها شمشیر داد، و برای شان فرمود: کسی را که در حال فرار از جنگ دیدید، آنرا بکشید.

اسماء بنت عمیس رضی الله عنہا

او، اسماء بنت عمیس بن معبد بن تیم بن حارث خثعمی رضی الله عنہا می باشد.

ایشان، صحابیه بزرگوار، دارای شأن و مقام والا ی بوده است، اسلام آوردن او قبل از وارد شدن پیامبر صلی الله علیه وسلم به دارالارقم در مکه بوده است، همراهی شوهرش جعفر بن أبي طالب بسوی حبشه نیز هجرت کرده است، فرزندان او: عبدالله و محمد و عوف نام داشتند، در واقعه مؤته (سال: ۸هـ) شوهرش جعفر شهید شد. پس از آن با ابوبکر رضی الله عنہ ازدواج نمود، و از آن محمد بن أبي بکر تولد گردید. زمانی که ابوبکر رضی الله عنہ وفات یافتند، با علی بن أبي طالب ازدواج کرد، و از آن یحیی و عون متولد گردید، سرانجام؛ پس از علی رضی الله عنہ وفات یافتند.

سیرت مختصر صحابیات

ابونعیم در وصف او گفته: «مهاجرة الہجرتين ومصلية القبلتين» (یعنی: زنی که دوبار هجرت کرده، و در دو قبله نماز گزاریده!).^۱

انیسه بنت خبیب رضی اللہ عنہا

او، انیسه انصاریه، صحابیه ای بزرگواری بوده است. از راویان حدیث اهل بصره شمرده می شود.^۲

امیمه بنت رقیقه رضی اللہ عنہا

او، امیمه بنت رقیقه رضی اللہ عنہا، وپدر آن: عبدالله بوده است، وبنام مادرش «بنت رقیقه بنت خویلد» مشهور شد. امیمه خواهر خدیجه رضی اللہ عنہا(أم المؤمنین) بوده، زندگیش را در مدینه سپری کرد.^۳

ام بجید رضی اللہ عنہا

او، ام بجید حواء بنت یزید بن سکن انصاریه رضی اللہ عنہا است. ام بجید خواهر اسماء بنت یزید رضی اللہ عنہا می باشد. ام بجید رضی اللہ عنہا از زنانی که در بیعت الرضوان اشتراک داشتند، محسوب می گردد، و در باب صدقه واعطاء روایت دارد.

۱- «العلل» (۵۷۸۴).

۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۸.

۳- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۸.

سیرت مختصر صحابیات



أم درداء رضي الله عنها

ایشان: «خیرة بنت أبي حدرد واسمها سلامة بن عمیر بن أبي سلمة الاسلامی» می باشدند.^۱

او از زنان صحابیه، ومعروف به أم دردائی کبری می باشد.^۲

ام درداء از زنان زیرک، هوشیار، صاحب نظر و فکر بود، خیلی از تابعین مانند: میمون بن مهران وصفوان بن عبد الله وزید بن أسلم از او درس حدیث می گرفتند. قبل از ابو درداء، در شام در خلافت عثمان وفات نمود.^۳

امام ذهبی می گوید: «سیده أم درداء همسر صحابی جلیل القدر أبو درداء رضی الله عنها از زنان فاضله، دانشمند، زاهده وبا عظمت و بانوی فقیهه، خردمند و بزرگوار که به علم، عمل و زهد مشهور بوده است و شاگردان زیادی از مردان داشته است که از او روایت کرده اند؛ مانند: جبیر بن نفیر، أبو قلابه الجرمی، سالم بن أبي الجعد، رجاء بن حیوة، یونس بن میسرة، مکحول، عطاء، اسماعیل بن عبیدالله بن أبي المهاجر، زید بن سالم، أبو حازم الاعرج وغیره». ^۴

^۱- [الاعلام للزرکلی].

^۲- [الاعلام للزرکلی].

^۳- [الاصابه: ۷۴-۷۳/۹].

^۴- [سیر اعلام النبلاء "۲۷۷/۴"].

سیرت مختصر صحابیات



امام مزی و مکحول دمشقی می گوید: «أم درداء رضی الله عنها فقیهه بود».^۱

عون بن عبدالله می گوید: «به نزد أم درداء می آمدیم و پیش او ذکر الله تعالی را می کردیم».^۲ وفات ایشان در سال (۳۰ هـ) بوده است.

ام عماره رضی الله عنها

ایشان: «نسیبة بنت كعب بن عوف مازنیة انصاریه از بنی نجار می باشد».^۳

او یکی از شجاع ترین زن در تاریخ یاد شده است. در جاهلیت شوهر او (زید بن عاصم مازنی) وفات نمود، سپس با غزیه بن عامر مازنی ازدواج کرد، و به کاروان مسلمانان پیوست. زرکلی می نویسد: «او در بیعة العقبه، أحد، حدیبیه، خیبر، عمرة القضا و حنین اشتراک داشته است».^۴

ایشان در غزوات زیادی اشتراک کردند، و با کفار پیکار می نمودند و مجاهدین را خدمت می کردند، در بدن او بسیاری از آثار زخم نیزه و شمشیر وجود داشت، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم

^۱- [تهذیب الكمال ۳۵/۳۵].

^۲- [سیر اعلام النبلاء ۴/۲۷۸].

^۳- [الاعلام للزرکلی].

^۴- [الاعلام للزرکلی].

سیرت مختصر صحابیات



در باره او می گفت: «در غزوه احمد این بر و آن بر را می دیدم، پس می دیدم که ام عماره در دفاع از من می جنگد».^۱

ام فضل رضی الله عنها

او، ام فضل لبابه بنت حارث عامریه رضی الله عنها بوده است. ایشان همسر «عباس بن عبدالطلب» رضی الله عنہ می باشند. بیشتر فرزندان عباس، از ام فضل بوده، و ام فضل خواهر «میمونه» رضی الله عنها (همسر) رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشد. ایشان پس از خدیجه رضی الله عنها نخستین کسی از زنان است که به دین اسلام مشرف گردیده، و از پیامبر صلی الله علیه وسلم احادیث بسیاری روایت کرده است.^۲

ام فروه رضی الله عنها

او، ام فروه انصاریه رضی الله عنها بوده است. ایشان از جمله زنانی است که در بیعت با رسول الله صلی الله علیه وسلم حضور داشته است. از ایشان قاسم بن غنم روایت کرده است.^۳

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۲.

^۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۲.

^۳- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۳.

سیرت مختصر صحابیات



ام قیس بنت محسن رضی الله عنہا

او، ام قیس بنت محسن (بکسر میم وسکون حاء مهممله)، خواهر عکاشه رضی الله عنہ بوده است. از سابقین در اسلام، و در مکه مشرف به اسلام گردید، و با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت نمود، و با وی صلی الله علیه وسلم (نیز) بسوی مدینه رهسپار مدینه(هجرت) نمود.^۱

ام المنذر رضی الله عنہا

او، ام المنذر بنت قیس انصاریه - وبرخی گفته: عدویه -، رضی الله عنہا می باشد. ایشان با رسول الله صلی الله علیه وسلم هم صحبت بوده، و از وی صلی الله علیه وسلم نیز حدیث آموخته است. از ام المنذر یعقوب بن ابویعقوب حدیث گرفته است.^۲

ام معبد بنت خالد رضی الله عنہا

او، ام معبد خزاعیه، عاتکه بنت خالد رضی الله عنہا می باشد. در زمان اسلام او میان سیرت نویسان اختلاف است، و به نظر من اصح اینست زمانی که مسلمانان به مدینه هجرت نمودند، آنجا وی

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۴.

^۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۲۰.

سیرت مختصر صحابیات



به مشرف به ایمان شد. حدیث آن معروف است در میان محدثین
به «حدیث أم معبد».^۱

ام معبد بنت كعب رضي الله عنها

او، ام معبد بنت كعب بن مالک انصاریه می باشد. ایشان از جمله زنان انگشت شماری است که در دو قبله نماز خوانده است، چنانکه در بین تاریخ نویسان به «صلت القبلتين» شهرت یافته است. از وی پرسش حدیث روایت کرده است.

ابن عبدالبر درباره وی گفته:

ام معبد همسر صحابی بزرگوار، «كعب بن مالک انصاری سلمی» رضی الله عنہ بوده است.^۲

ام مالک بهزیه رضي الله عنها

او، ام مالک بهزیه رضی الله عنہ بوده، که با رسول الله صلی الله علیه وسلم صحبت نموده، و از ایشان نیز روایت نموده است. وی حجازیه می باشد. از ایشان طاؤس و مکحول روایت کرده اند.^۳

۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۲۰.

۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۲۰.

۳- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۲۰.

«ب»

بریره رضی الله عنها

او بریره (به فتح باء و کسر راء اول و سکون یاء)، آزاد کرده شده ای عائشہ ام المؤمنین رضی الله عنها می باشد، ایشان از عائشہ، ابن عباس و عروه بن زبیر رضی الله عنهم روایت کرده است.^۱

بسره رضی الله عنها

او، بسره بنت صفوان رضی الله عنها بن نوفل قرشی اسدیه رضی الله عنها می باشد.

بسره رضی الله عنها برادر زاده (دختر برادر) ورقه بن نوفل می باشد.^۲

بهیسه رضی الله عنها

او، بهیسه (به ضم باء وفتح هاء و سکون یاء و سین مهممله) فزاریه بوده، و همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم ملاقاتش ثابت شده است، و در خصوص بیع مردم بهیسه روایت دارد.^۱

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۸.

^۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۰.

«ج»

جویریه ام المؤمنین رضی الله عنها

وی ام المؤمنین جویریه خزاعی است، نامش در اصل بره بود، و پیامبر صلی الله علیه وسلم او را جویریه نامیدند، وی از اسیران بنی المصطلق و بسیار زیبا بود، و بعد از اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی ازدواج نمودند تمام صحابه رضی الله عنهم اسیرانی را که از قبیله بنی المصطلق در اختیار داشتند، آزاد کردند.

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۰.

«ح»

حفصه رضی الله عنها

وی ام المؤمنین حفصه بنت عمر بن خطاب است، پیش از ازدواج با نبی کریم صلی الله علیه وسلم همسر حصن بن حذافه بود، بعد از موت شوهرش و به نهایت رسیدن عدها ش عمر بن خطاب رضی الله عنہ برای عثمان پیشنهاد کرد که او را به همسری بگیرد، ولی او بعد از چند روز گفت: که فعلاً تصمیم به ازدواج ندارم، بعد از آن او را برای ابوبکر صدیق پیشنهاد کرد، او هم قبول نکرد، تا اینکه نبی کریم صلی الله علیه وسلم از وی خواستگاری نموده و با وی ازدواج کردند، پیامبر صلی الله علیه وسلم او را یک طلاق دادند، چون عمر رضی الله عنہ از واقعه خبر شد، خاک بر سر خود می‌ریخت و می‌گفت: بعد از این الله به عمر و دخترش ارزشی نمی‌دهد، و همان بود که جبرئیل علیه السلام آمد و به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت که: الله عزوجل تو را امر

سیرت مختصر صحابیات



می‌کند که به وی رجوع کنی، و پیامبر صلی الله علیه وسلم به او رجوع کردند، وی در سال چهل و یک هجری وفات یافت.^۱

حمنه بنت جحش رضی الله عنها:

نام او حمنه بنت جحش الأسدیة است، خواهر زینب بنت جحش. ایشان زیر نکاح مصعب بن عمیر قرار داشتند، بعد از اینکه وی شهید شد، پس طلحه او را زیر نکاح خود در آورد، پس او مادر عمران و محمد(پسران طلحه) هستند. از او در «الأدب المفرد، أبو داود، الترمذی، ابن ماجه روایت شده است.

ایشان از راویان زن در مدینه طیبه بودند.^۲

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۰.

^۲- (الاصابه: ۴/۲۷۳-۲۷۴).

«خ»

خدیجه ام المؤمنین رضی الله عنها

وی ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد بن اسد بن عبدالعزی است، و اولین کسی است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم ایمان آورده است، اول همسر ابوهاله بود، و بعد از آن با عتیق بن عائذ ازدواج نمود، و بعد از عتیق پیامبر صلی الله علیه وسلم به سن بیست و پنج سالگی با وی ازدواج نمودند، و تمام اولاد پیامبر صلی الله علیه وسلم به استثنای إبراهیم از خدیجه رضی الله عنها است، و تا وقتی که وی زنده بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم همسر دیگری نگرفتند، و بعد از وفاتش همیشه پیامبر صلی الله علیه وسلم از وی به خیر و خوبی یاد می‌کردند، الله عزوجل ذریعه جبرئیل برای خدیجه سلام فرستاد، و از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: خدیجه بهترین زن‌های این امت است، وی بعد از اینکه بیست و چهار سال و چند ماه با پیامبر صلی الله علیه وسلم

سیرت مختصر صحابیات



زندگی نمود، سه سال پیش از هجرت وفات نمود، دارای فضائل و مناقب بسیار است.^۱

خوله بنت قیس رضی الله عنها

وی خوله بنت قیس بن فهد انصاریه همسر حمزه بن عبدالطلب است، بعد از شهادت حمزه رضی الله عنہ در غزوہ احد، با نعمان بن عجلان انصاری ازدواج نمود، بسیار معروف حدیث روایت کرده است، از تاریخ وفاتش اطلاعی به دست نیامد.^۲

خوله بنت حکیم رضی الله عنها

او، خوله بنت حکیم همسر عثمان بن مظعون^۳ رضی الله عنہ می باشد.

خوله زنی نیکوکار، فاضله و روایتگر احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم بشمار می رود.^۴

^۱- الإصابة (٤/٢٨١-٢٨٣).

^۲- اسد الغابه (٥/٤٤٦ - ٤٤٥).

^۳- عثمان بن مظعون قریشی، در همان آغاز بعثت مسلمان شد و پس از چندی به جبهه هجرت کرد و آنگاه به مکه بازگشت. پس از مدتی به مدینه هجرت کرد و در جنگ هاشرکت کرد، او در عبادت و روزه گرفتن بسیار کوشش و پایدار بود. وی به سال ۲۱ هجری در مدینه درگذشت.

^۴- اسماء الرجال مشکاة، ص: ٥٩٣.



خوله بنت ثامر رضی اللہ عنہا

او، خوله بنت ثامر انصاریه رضی اللہ عنہا بوده است. نزد اهل مدینه حکایت های شگفت انگیزی دارد. از ایشان نعمان بن ابو عیاش زرقی روایت نموده است.

وبرخی گفته اند: او، خوله بنت قیس بن بنی مالک بن نجار بوده، و ثامر لقب قیس بوده است.^۱

خوله بنت قیس رضی اللہ عنہا

او، خوله بنت قیس جهینیه رضی اللہ عنہا می باشد، از ایشان نعمان بن خربوذ روایت کرده است.^۲

خنساء رضی اللہ عنہا

ایشان: «تماضر بنت عمرو بن الحارث بن الشرید، ریاحیة سلمیة از بنی سلیم، مضر می باشند».^۳

خنساء از مشهور ترین شاعران عرب بود، و در نجد می زیست؛ اکثریت عمر خود را در جاهلیت سپری کرد، و در اواخر عمر به اسلام مشرف شد، و همراهی قوم خود نزد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم آمد.

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۳.

^۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۳.

^۳- [الاعلام للزرکلی].

سیرت مختصر صحابیات



زرکلی می گوید: «برای رسول الله صلی الله علیه وسلم شعر می سرود و رسول الله صلی الله علیه وسلم اشعار او را دوست می داشت».^۱

ابن اثیر گفته است: «خنساء شاعره مشهوریست، او همراه چند نفر از اقوامش به مدینه آمد و مسلمان شد». همچنان ابن اثیر می گوید: اهل علم اتفاق نظر دارند که هیچ زنی بهتر از او شعر نگفته است نه پیش از او و نه بعد از او. در سال (۲۴هـ) وفات یافتد.

خنساء بنت خرام رضی الله عنها

او، خنساء (به فتح خاء وسكون نون وسین مهمله) بنت خرام بن خالد انصاریه اسدیه رضی الله عنها می باشد. از ایشان ابوهریره وأنس رضی الله عنه روایت کرده اند.

^۱- [الاعلام للزرکلی].

»« ر

ربيع بنت معوذ رضى الله عنها

ایشان: «ربيع بنت معوذ بن عفراه رضى الله عنها، از قبیله بنی نجار بوده است».^۱

وی از جمله زنان مجاهده‌ی بود که همواره در جهاد اشتراک می داشت، و در بیعت الرضوان نیز همراه با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت نمود.

هرازگاهی رسول الله صلی الله علیه وسلم به خانه او رفته و در آنجا وضوء گرفته و نماز می خواند، و همراهی او طعام میل می کرد. تا خلافت معاویه رضى الله عنه زیست، و در سال (۴۵ هـ) وفات یافت.^۲

ربيع بنت نضر رضى الله عنها

او، ربيع بنت نضر رضى الله عنها، عمه‌ی انس بن مالک انصاری رضى الله عنه بوده است. نام فرزند ربيع بنت نضر، «حارثه بن

۱- [الاعلام للزرکلی].

۲- [الاعلام للزرکلی].

سیرت مختصر صحابیات



سراقه رضی اللہ عنہ» بود، وقصہ ای آن مشہور است کہ در روز جنگ بدر سہواً توسط حبّان بن عرقہ به شهادت رسید۔^۱

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۵.

﴿ز﴾

زینب بنت جحش رضی الله عنہ

وی ام المؤمنین زینب بنت جحش سادیه است، مادرش أمیمه عمه نبی کریم صلی الله علیه وسلم است، پیش از ازدواج با نبی کریم صلی الله علیه وسلم همسر زید بن حارثه رضی الله عنہ بود، و به امر الله جل جلاله پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی در سال سوم هجری ازدواج نمودند، و به سبب وی آیه حجاب نازل گردید، و زینب رضی الله عنہا بر دیگر ازدواج مطهرات افتخار نمود و می گفت: شما را اولیاء شما به ازدواج دادند، و مرا الله جل جلاله، بسیار زاهد و پرهیزگار بود، شبها نماز می خواند، و دائمی الصوم بود، تمام اموالی را که داشت در راه الله صدقه داد، در سال بیست هجری وفات نمود، و به این طریق اولین همسر پیامبر الله است که بعد از این ایشان وفات نموده است.^۱

۱- (الإصابة: ۴ / ۳۱۳ - ۳۱۴).



زینب رضی الله عنہا

زینب همسر ابی العاص بن الربيع بود، و دو فرزند داشت، یکی امامه و دیگری علی، امامه را پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیار دوست داشتند، در وقت نماز خواندن او را در آغوش خود می‌گرفتند، و هنگام سجده کردن، او را بر زمین می‌گذاشتند، وفات زینب رضی الله عنہا در سال هشتم هجری واقع گردید.

زینب بنت عبدالله رضی الله عنہا

او، زینب بنت عبدالله بن معاویه ثقیفیه می باشد. زینب رضی الله عنہا همسر عبدالله بن مسعود رضی الله عنہ بودند. از عجایب اینست که عبدالله بن مسعود، ابوهریره، وعائشہ رضی الله عنہم از ایشان حدیث روایت می کردند.^۱

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۶.

«س»

سمیه رضی الله عنها

ایشان: «سمیه بنت خباط می باشند».^۱ زمانی که او اسلام آورد، مسلمانان به شمول پیامبر بیشتر از هشت نفر نبودند (آن هشت نفر: محمد صلی الله علیه وسلم، أبو بکر، بلال، خباب، صهیب، یاسر، همسر سمیه، و عمر بن یاسر). او در جاهلیت آزاد کرده شده أبوحذیفه بن مغیره (کاکای بوجهل) بود.

هنگامی که اسلام آمد، اینها لبیک گویان تسلیم آن شدند، و سیمه زنی کهنه سال و عجوزه ای بود و اسلامش را در اوائل پنهان می ساخت، ولیکن به تشویق پسرش (عمار^۲، اسلام خود را علنی ساخت، ولیکن چون غریب بودند، هیچ کسی آنها را حمایت نکرد، و روزهای گرم مکه را در عذاب مشرکین سپری می کردند، و حتی

^۱- [الاعلام للزرکلی].

^۲- عمار بن یاسر از یاران نزدیک پیامبر بود که در جوانی در مکه مسلمان شد و پدر و مادرش را زیر شکنجه ی مشرکان از دست داد. وی در جنگ صفين در کنار نیروهای علی بن ابی طالب به شهادت رسید. (سیراعلام النباء)

سیرت مختصر صحابیات



بشرکین زره آهنی به تن آنان می نمود و ایشان را در آفتاب سوزان آن زمان ایستاده می کردند تا از ایمان خویش برگردند، اما برعکس ایمان (او) زیاد می شد. در آخرین روز های زندگیش، أبو جهل آمد و همراهی نیزه و سلاح خود، اورا به شهادت رسانید، ولقب اولین شهید اسلام را از آن خود کرد.^۱

سوده أم المؤمنين رضي الله عنها

وی ام المؤمنین سوده بنت زمعه بن قیس قرشی است، پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی در مکه مکرمه بعد از وفات خدیجه رضی الله عنها ازدواج نمودند، و در آخر خلافت عمر رضی الله عنه وفات نمود.^۲

سبعیه رضي الله عنها

او، سبعیه بنت حارث اسلمیه رضی الله عنها بودند، شوهر ایشان سعد بن خوله بود، و شوهرشان در مکه در سنّة وداع وفات یافتند، و جماعتی از مسلمانان از ایشان روایت داشتند.^۳

۱- [العلام للزرکلی].

۲- أسد الغابه (۴۸۴-۴۸۵/۵).

۳- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۹.

سیرت مختصر صحابیات



سهیمه بنت عمر رضی اللہ عنہا

او، سهیمه(بھ ضم سین وفتح هاء) بنت عمر مزنیہ رضی اللہ عنہا است. شوهرشان «رکانہ بن عبد زید» بودند، روایاتی در خصوص طلاق دارند.^۱

سلمی رضی اللہ عنہا

او، سلمی ام رافع رضی اللہ عنہا بوده است. شوهرشان «ابی رافع» نام داشتند، پسرشان «عبدالله» بوده است. ایشان قابلہ‌ی ابراهیم (فرزند رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم) و (نیز) غسل دهنده فاطمه بنت عمیس رضی اللہ عنہا هستند.^۲

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۹.

^۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۹.

«ش»

شفاء رضى الله عنها

زرکلی می گوید: ایشان «شفاء بنت عبد الله بن عبد شمس العدوية القرشية، أم سليمان» می باشدند.^۱

شفاء از صحابیات است، او در جاھلیت اهل قلم بود و قبل از هجرت مشرف به اسلام گردید و با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت کرد.^۲

زرکلی می گوید: از او (۱۲) حدیث روایت شده وبعضی گفته اسمش لیلی ولقبش شفاء است.^۳

شفاء رضی الله عنها کسی بود که به أم المؤمنین حفظه کتابت را تعلیم داد.^۴

هرازگاهی رسول الله صلی الله علیه وسلم به زیارت او می رفت و در خانه او قیلوله می نمود.

^۱- [الاعلام للزرکلی].

^۲- [الاصابه في تمييز الصحابة] [٢٠١/٨].

^۳- [الاعلام للزرکلی].

^۴- [الاعلام للزرکلی].

سیرت مختصر صحابیات



قطع نظر از اینکه معلم و کاتبی بود، برای مسلمانان سیخصوص برای زنان مسلمان - کتابت را تعلیم می داد.^۱ و نیز مشاور و همکاری عمر رضی الله عنہ در امور خلافت به شمار رفته است.^۲

مؤرخین می نویسنده: عمر بن خطاب رضی الله عنہ در دوران خلافت خود شفا بنت عبدالله العدویه را در پست شاروالی و کنترل نرخ بازار موظف کرده بود، و بعضی میگویند شفا محتسب شهر بود و به امر معروف و نهی از منکر در بین بازار موظف بود.^۳

^۱- [معرفة الصحابة ۳۳۷۱/۶].

^۲- [الاستعباب ۱۸۶۹/۴].

^۳- [تهذیب الکمال ۴۲۴ و تهذیب التهذیب ۱۲: ۴۲۸ و طبقات ابن سعد ۱۹۶: ۸ و التاج ۲۰۱: ۱۰].

«ص»

صفیه بنت حبیب رضی اللہ عنہا

وی صفیه بنت حبیب است، و نسبتیش به هارون برادر موسیٰ علیہ السلام می‌رسد، اول همسر سلام بن مشکم بود، بعد از وی با کنانہ بن ابی الحقيق ازدواج نمود، کنانہ در غزوہ خیر کشته شد، و صفیه رضی اللہ عنہا با عده دیگری به اسارت در آمد، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم او را آزاد ساخته و با وی ازدواج نمودند، صفیه در خواب دیده بود که ماه در گربیانش واقع شده است، این خواب را برای مادر خود گفت، مادرش بر رویش زد و گفت: چشم آن داری که همسر پادشاه عرب‌ها شوی؟ در مرضی که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از آن وفات یافتند، ازواج مطهرات نزدشان حاضر بودند، صفیه رضی اللہ عنہا گفت: یا رسول اللہ! ای کاش مرض شما به جان من می‌بود، دیگر همسران پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم با چشم خود به طرفش اشاره کردند، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم این موضوع را

سیرت مختصر صحابیات

در ک کرده و فرمودند: به الله قسم که راست می‌گوید، در سال پنجاه و یا پنجاه و دوم هجری وفات یافت.^۱

صفیه بنت عبدالمطلب رضی الله عنها

او، صفیه بنت عبدالمطلب، عمه‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم بودند، در جاهلیت زیر نکاح «حارث بن حرب» قرار داشتند، زمانی که حارت وفات یافت، سپس با «عوام بن خویلد» ازدواج کردند، و از ایشان فرزندی تولد شد، واسم شان را گذاشتند: «زبیر». صفیه رضی الله عنها تا مدت طولانی زیست، در حالی که (۷۳) سال سن داشت در خلافت عمر بن الخطاب رضی الله عنه وفات یافت، و در بقیع مدفون گشت.^۲

صفیه بنت ابو عبید رضی الله عنها

او، صفیه بنت ابو عبید ثقفیه، خواهر مختار بن ابو عبید، وهمسر صحابی بزرگوار «عبدالله بن عمر رضی الله عنهمما» می‌باشد. در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم زیست، از ایشان عائشه، حفصه ونافع (آزاد کرده شده ابن عمر) روایت کرده اند.^۳

۱- (الإصابة: ۴/ ۳۴۷-۳۴۸).

۲- (أسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۰۱).

۳- (أسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۰۱).

سیرت مختصر صحابیات



صفیه بنت شیبہ رضی اللہ عنہا

او، صفیه بنت شیبہ حبیبی رضی اللہ عنہا می باشد. از ایشان میمون بن مهران وغیره روایت کرده اند، در اینکه آیا صفیه بنت شیبہ رضی اللہ عنہا پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را دیده است، یا خیر؟، میان اهل علم اختلاف است.^۱

صماء بنت بسر رضی اللہ عنہا

او، صماء بنت بسر مازنیه رضی اللہ عنہا بوده است. البته «صماء» لقب او بود، ونام وی «بھیه» بوده است، از ایشان برادرش روایت کرده اند.^۲

^۱- (اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۰۱).

^۲- (اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۰۱).

«ع»

عائشه ام المؤمنین رضی الله عنها

وی ام المؤمنین عائشه صدیقه دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنہ است، در سال چهارم بعثت متولد گردید، پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی ازدواج نمودند، و در سال اول هجرت با وی عروسی کردند، و جز عائشه رضی الله عنها با دختر بکر دیگری ازدواج ننمودند، دارای فضائل و اوصاف بسیاری است، هنگامی که پیامبر رضی الله عنها وفات نمودند وی هژده ساله بود، بسیار جواد و سخاوتمند بود، ام دره می‌گوید: برای عائشه صد هزار درهم آوردم، همه آن‌ها را خیرات داد، و خودش در این روز، روزه‌دار بود، گفتم: آیا بهتر نبود اگر از این مبلغ برای خود چیزی گوشت می‌خریدی و افطار می‌کردی، گفت: اگر اول به یادم می‌دادی چنین می‌کردم، یکی از فقههای صحابه است، دو هزار و دو صد و ده حدیث را از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است، به سن

سیرت مختصر صحابیات

شصت و پنج سالگی در رمضان سال (۵۵) و یا (۵۶) هجری وفات نمود.^۱

عائشه احادیث بسیاری را از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است، حتی گفته‌اند که چهار حصة احکام شرعی از طریق او برای امت رسیده است، عروه بن زبیر می‌گوید: هیچکس را در فقه و طب و شعر از عائشه فهمیده‌تر نیافتم، او بعد از خدیجه بهترین ازدواج مطهرات است، رضی الله تعالی عنها و عنهن جمیعا.

عمرة بن رواحه رضى الله عنها

او، عمرة بن رواحه انصاریه رضی الله عنها بوده است. ایشان با رسول الله صلی الله علیه وسلم ملاقات داشته اند، وصحابیه هستند. وی مادر صحابی بزرگوار، «نعمان بن بشیر» رضی الله عنه بوده است. از ایشان همسرش «بشير بن سعد» رضی الله عنه وپسرش «نعمان بن بشیر» روایت می‌کردند.^۲

۱- (الإصادف: ۴/ ۳۵۹-۳۶۱).

۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۲.

«غ»

غمیصاء رضی الله عنها

او، ام سلیم دختر ملحان و نام ملحان: مالک بن خالد بن زید بن حرام بن جنبد ابن عامر بن غنم بن عدی بن البخار انصاری خزرجی، بخاریه بود، مادر انس بن مالک، درباره نام او اختلاف داشته و گفته شده سهله و گفته شده رمیله، و گفته شده رمیشه، و ملیکه و غمیصاء و رمیصاء. همسر مالک بن نضر بود، پدر انس بن مالک در جاهلیت، اندوهگین شد از او به سوی شام رفت، و همانجا از دنیا رفت، ابو طلحه انصاری با او ازدواج کرد که شرک بود، گفت من به تو علاقمند هستم در حالی که مانند تو رد نمی شود، ولی تو کافر هستی ولی من زن مسلمانی هستم، اگر مسلمان شوی، مهرم بر توسیت والا با کسی دیگری ازدواج می کنم، مسلمان شد و با او ازدواج کرد. و خوب هم مسلمان شد. بچه ای از او بدنیا آورد که در نوزادی از دنیا رفت، او پدر عمر است که از همسرش خوشش می آمد. سپس بچه ای دیگر به دنیا آورد به نام عبدالله بن ابی طلحه، که پدر اسحاق است، در اسحاق و برادرانش برکت هست، ده برادر

سیرت مختصر صحابیات



بودند، همگی علم را از او گرفتند. به همراه پیامبر بود و احادیثی را از پیامبر روایت کرده است. پرسش انس از او روایت کرده، از زنان عاقل بود. در زمان خلافت عثمان از دنیا رفت.^۱ نکته: در مورد این صحابیه، قبلاً نیز نوشته بودیم.

^۱- به شرح زندگی او نگاه کن در اسدالغابه ۷ شماره ۳۳۳/۷ و الاستیجاب ۴/۱۹۴۰، شماره ۴۱۶۳، والاصابه ۴/۴۴۱ شماره ۱۲۰۷۷ و تاریخ الصحابه ص ۲۷۶، شماره ۱۵۷۳ و تجرید اسماء الصحابه ۲/۳۳۳.

«ف»

فاطمه رضی الله عنها

وی فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم، و همسر فاتح خیر
علی بن ابی طالب و مادر حسن و حسین است، بنا به شهادت
پیامبر صلی الله علیه وسلم وی سردار همه زنان دنیا است، مناقب و
فضائلش بسیار است، شش ماه بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه
 وسلم در روز سه شنبه سوم ماه رمضان رحلت نمود، رضی الله
 تعالیٰ عنها وأرضها.

فاطمه بنت خطاب رضی الله عنها

او، فاطمه بنت الخطاب بن نفیل، قریشی و صحابیه رضی الله
عنها می باشد. لقب آن امیمه، و کنیه آن ام جمیل بود.
از پیشگامان اسلام بوده، و قبل از برادرش - عمر رضی الله
عنہ - ایمان آورد و اسلامش را از او مخفی نگه داشت، ایشان همسر
سعید بن زید بن عمر نفیل هستند.^۱

^۱- ابن سعد: ۱۹۵ و السیرة النبویة: ۱: ۲۷۱ و ۳۶۷. و واسمها في جمھرة الأنساب "أمیمة" وفي الاصابة،
باب النساء، ت ۸۳۷.

سیرت مختصر صحابیات



فاطمه بنت ابو حبیش رضی اللہ عنہا

او، فاطمه بنت ابو حبیش قرشی اسدیه رضی اللہ عنہا می باشد۔ همان زنی است که حدیث آن در خصوص عادت ماہیانہ زنان^۱ در هر کتاب حدیث مشهورست.

از ایشان عروه بن زبیر، فاطمه، و ام سلمه روایت کرده اند. نام شوهر ایشان «عبدالله بن جحش» بوده است. جحش مصغر حبش است.^۲

فاطمه بنت قیس رضی اللہ عنہا

او، فاطمه بنت قیس قرشی، خواهر ضحاک رضی اللہ عنہا بوده است. ایشان از مهاجرین نخست اسلام بشمار رفته است. جماعتی از مسلمانان از وی حدیث گرفته اند. ایشان دارای جمال و زیبای

۱- آن حدیث، ایشت:

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: جَاءَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ أَبِي حُبِيشٍ إِلَيَّ الْبَيْتِ - صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي امْرَأَةٌ أَسْتَحْسَأُ فَلَا أَطْهُرُ، أَقَدَعُ الصَّلَاةَ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: «لَا، إِنَّمَا ذَلِكَ عَرْقٌ، وَلَيْسَ بِحِيْضٍ، فَإِذَا أَقْبَلْتِ حَصْنَتُكْ فَدَعِيِ الصَّلَاةَ، وَإِذَا أَدْبَرْتِ فَاغْسِلِي عَنْكِ الدَّمَ ثُمَّ صَلِّ». وَقَالَ: «ثُمَّ تَوَضَّئِي لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يَجِيءَ ذَلِكَ الْوَقْتُ». (بخاری: ۲۲۸)

ترجمه: ام المؤمنین؛ عایشه رضی اللہ عنہا؛ می گوید: فاطمه بنت ابی حبیش نزد نبی اکرم - صلی اللہ علیہ وسلم - آمد و عرض کرد: ای پیامبر گرامی - صلی اللہ علیہ وسلم -! به دلیل خون حیض، مدت زیادی ناپاک می شوم. آیا در این مدت، نماز را ترک کنم؟ رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - فرمود: «خیر، زیرا این، خون حیض نیست بلکه خون رگی است که پاره شده است. هنگامی که روزهای قاعدگی ات فرا رسید، نماز نخوان. و هنگامی که ایام قاعدگی ات به پایان رسید، غسل کن و نماز بخوان. البته برای هر نمازی، وضو بگیر تا اینکه دوران قاعدگی، فرا رسد».

۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۲

سیرت مختصر صحابیات



رویی بوده است. دانش و بینش بیشتری داشته، تحت نکاح «ابو عمرو بن حفص» قرار داشت، سپس شوهرش وی را طلاق داد، و رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم او را زیر نکاح جوان شجاع و قهرمان، «اسامه بن زید» رضی اللہ عنہا، در آورد.^۱

فریعه بنت مالک رضی اللہ عنہا

او، فریعه (به ضم فاء وفتح راء وسكون ياء وباء عین مهممه) بنت مالک بن سنان رضی اللہ عنہا بوده است. ایشان خواهر صحابی بزرگوار، «ابوسعید خدری» رضی اللہ عنہ می باشند. در بیعت الرضوان اشتراک داشت، و از ایشان جماعتی از مسلمانان حدیث گرفته اند.^۲

۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۳.

۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۳.

«ق»

قیله بنت مخرمه رضی الله عنها

او، قیله بنت مخرمه تمیمیه است. از ایشان دو دختر(صفیه ودحیه) تابعی بزرگوار «علیه[یا علیبیه]» رضی الله عنہ روایت کرده است.^۱

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۴.

«۳»

میمونه رضی الله عنها

وی میمونه بنت حارت هلالی همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم است، پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی در منطقه (سرف) ازدواج نمودند، و میمونه رضی الله عنها در همین مکان در سال پنجاه و یک هجری وفات نمود، و در همانجا دفن گردید، امام بخاری از وی هفت حدیث روایت کرده است.^۱

^۱- أسد الغابه (۵۵۰-۵۵۱/۵).

«ن»

نسیبه رضی الله عنها

نامش نسیبه بنت حارث انصاریه رضی الله عنها است، در غزوات با پیامبر صلی الله علیه وسلم اشتراک داشت، زخمی‌ها را تداوی می‌کرد، و از مریض‌ها سرپرستی می‌نمود، و مرده‌ها را می‌شست، امام بخاری از وی پنج حدیث روایت کرده است.^۱

^۱- أسد الغابه (٦٠٣/٥).

«۵»

هند بنت عتبه رضی الله عنها

وی هند بنت عتبه بن ربیعه، همسر ابو سفیان و مادر معاویه می باشد، بعد از اسلام شوهرش ابوسفیان، در فتح مکه اسلام آورده، زن بسیار با شهامت و با عقل و تدبیری بود، در جنگ (اُحد) با مشرکین بود، و چون حمزه رضی الله عنہ به شهادت رسید، جگرش را در آورده و بلعید، ولی آن را هضم کرده نتوانست^۱ و بیرون انداخت.

۱- برخی از روایات تاریخی که می گوید:

در غزوه احمد، هند بنت عتبه رضی الله عنها، همسر ابوسفیان و مادر معاویه رضی الله عنهم و حشی رضی الله عنہ را فرستاد تا کاکای پیامبر صلی الله علیه وسلم را شهید نموده و در اخیر جگر حمزه را کشیده و خورده است. صحیح نبوده، بلکه در روایات صحیح خلاف آن ثابت است.

امام بخاری در صحیح بخاری چنین میگوید: باب قتل حمزة بن عبد المطلب رضی الله عنہ و در ضمن این باب، روایتی را می آورد که جعییر بن ُطعمن رضی الله عنہ کسی بود که وحشی را فرستاد، تا حمزه رضی الله عنہ را، بکشد. (صحیح بخاری روایت شماره ۴۰۷۲)

و نیز مُثله شدن و پاره نمودن شکم حمزه رضی الله عنہ توسط مشرکین، در روایات ثابت است. اما بیرون نمودن جگر و خوردن آن، ثبوتی ندارد.

غالباً چنین دروغ ها و اتکای بر روایات متزلزل و مخالف با صحیح، از زبان روافض قبحهم الله شنیده شده و از جانب آنان، پخش و نشر میگردد.

«ی»

یسیره رضی الله عنها

او، یسیره (به خم باء وفتح سین مهمله) «ام یاسر انصاری» رضی الله عنها می باشد. ایشان از زنان مهاجره بشمار می رود. از ایشان نواسه اش «حمیصه بنت یاسر» روایت نموده است.^۱

ختم کتاب به یاری الله عزوجل، ظهر یکشنبه: (۲۵/ جدی/ ۱۴۰۱ هـ)

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۲۴.



فهرست منابع و مراجع

١. بذل المجهد فى إثبات مشابهة الرافضة لليهود، عبدالله الجميلي، مكتبة الغرباء الأثرية، المدينة المنورة، چاپ دوم، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م.
٢. السنة و مكانتها فى التشريع، د. مصطفى السباعي، المكتب الإسلامي ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م.
٣. انتصار الحق ... مناظرهای علمی با بعضی از شیعه‌ی امامیه، مجدى محمد على، دار طيبة، چاپ اول ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م.
٤. الدر المنشور فى التفسير بالتأثير للإمام عبد الرحمن جلال الدين السيوطي، چاپ اول، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م.
٥. الموسوعة الحدیثیة، السنن الکبری للإمام أبی عبد الرحمن أحمد بن سعید النسائی، مؤسسه الرسالۃ، چاپ اول، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م.
٦. تفسیر القرطبی اثر ابوعبد الله بن محمد بن احمد الانصاری القرطبی، مکتبة الرشد، چاپ اول، ١٤١٨ هـ - ١٩٩١ م.



سيرت مختصر صحابيات

٧. التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، دكتور وهبة الزحيلي، دار الفكر المعاصر بيروت، چاپ اول ١٤١١ هـ - ١٩٩١م.
٨. نساء أهل بيته، منصور الحكيم، المكتبة التوفيقية.
٩. الامام على أبي طالب، رابع الخلفاء الراشدين، دار الكتب العلمية، بيروت.
١٠. تاريخ مدينة السلام وأخبار محدثيها وذكر قاطنيها العلماء من غير أهلها ووراديها، أبو بكر احمد بن على بن ثابت الخطيب البغدادي، دار الغرب الإسلامي ٢٠٠١م.
١١. الاستيعاب في معرفة أصحاب، أبو عمر يوسف بن محمد بن عبد البر. تحقيق على محمد البحاوي، دار الجليل بيروت، چاپ اول ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢م.
١٢. البداية والنهاية، أبو الفداء الحافظ ابن كثير الدمشقي، دار الريان، ١٩٩٨م.
١٣. الصحيح المسند في فضائل الصحابة، أبو عبد الله، مصطفى العدوى، دار ابن عفان، السعودية، الخبر، چاپ اول ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥م.

سيرت مختصر صحابيات



١٤. الصواعق المحروقة على أهل الرفض والضلال والزندة، اثر ابو العباس أحمد بن محمد بن على بن حجر الهيثمي، مؤسسة الرسالة بيروت، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م.
١٥. الطبقات اثر ابن سعد، دار صادر، بيروت.
١٦. عقيدة إهل السنة و الجماعة فى الصحابة الكرام، د. ناصر على عائض حسن الشيخ، مكتبة الرشد، الرياض، چاپ اول، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م.
١٧. السنة اثر ابن بكر أحمد بن محمد الخلا، تحقيق د. عطية الزهرانى، دار الراية.
١٨. تاريخ الإسلام في عهد الخلفاء الراشدين، محمد أحمد الذهبي، دار الكتاب العربي.
١٩. فتح الباري، المطبعة السلفية، چاپ دوم ١٤١٠ هـ.
٢٠. المدينة النبوية، فجر الإسلام و العصر الراشدی، محمد محمد حسن شراب، دار القلم - بيروت، الدراسات الشامية، بيروت، چاپ اول ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م.
٢١. تاريخ الطبرى اثر ابو جعفر، دار الفكر، بيروت، چاپ اول ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م.
٢٢. السلسلة الصحيحة، اثر آلبانى، المكتب الإسلامي.

سيرت مختصر صحابيات



٢٣. معجم الطبراني الكبير، ابو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، مكتبة العلوم و الحكم چاپ دوم ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥ م.
٢٤. تحقيق مواقف الصحابة في الفتنة من روایات الطبری و المحدثین، تأليف د. محمد أمحزون، دار طيبة، مكتبة الكوثر، ریاض، چاپ اول، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م.
٢٥. لسان العرب، محمد بن مكرم بن منظور، دار صادر، بيروت.
٢٦. تاريخ المذاهب، ابو زهرة، دار الكفر العربي، چاپ اول.
٢٧. دار الحكم في الإسلام، عارف أبو عبيد، دار النفائس، الأردن ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م.
٢٨. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، ابو نعيم أحمد عبد الله الأصفهانی، دار الكتب العلمية، بيروت.
٢٩. فضائل الصحابة، ابو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل، دار ابن الجوزي السعودية، چاپ دوم. ١٤٢٠ - ١٩٩٩ م.
٣٠. صفة الصفوة اثر امام أبي الفرج بن الجوزي، دار المعرفة، بيروت.



سيرت مختصر صحابيات

٣١. السيرة النبوية، اثر ابن هشام، ابو محمد بن عبد الملک بن هشام، دار الفكر، بدون تاريخ.
٣٢. تاريخ خليفة بن خياط، أبو عمر خليفة بن خياط بن أبي هيبة الليثي، تحقيق أكرم ضياء العمري، چاپ دوم، مؤسسه الرسالة، و دار اقلم، بيروت ١٣٩٧ هـ.
٣٣. الإصابة في تميز الصحابة، أحمد بن علي بن حجر، دار الكتب العلمية، بيروت.
٣٤. الولاية على البلدان في عصر الخلفاء الراشدين، د. عبدالعزيز أبراهيم العمري.

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library